

کتاب دانیال - شماره هفتاد و نه

پرده برداری از شورش ۱۸۸۸: درس‌هایی از نسل دوم ادونتیسیم لاودیکیه‌ای

Jeff Pippenger

2024-02-12

نسل دوم ادونتیسیم لاودیکیه‌ای در سال ۱۸۸۸ ظهور کرد، و آن نسل در باب هشتم حزقیال به طور نمادین به عنوان دومین رجاست، که با "حجره‌های خیالات او" نمایانده شده است.

پس داخل شدم و دیدم؛ و اینک هرگونه خزندگان و حیوانات مکروه، و همه بت‌های خاندان اسرائیل، بر دیوارهای پیرامون نقش بسته بود. و در برابر ایشان هفتاد نفر از مشایخ خاندان اسرائیل ایستاده بودند، و در میان آنان یعزنیای پسر شافان ایستاده بود؛ و هر کس مجمره‌ای در دست داشت، و ابر غلیظی از بخور بالا می‌رفت. آنگاه به من گفتم: ای پسر انسان، آیا دیدی که مشایخ خاندان اسرائیل در تاریکی، هر یک در حجره‌های تصورات خود، چه می‌کنند؟ زیرا می‌گویند: خداوند ما را نمی‌بیند؛ خداوند زمین را ترک کرده است. حزقیال ۱۰:۱-۱۲.

حجره‌های تصورات نمایانگر رازهای شیرانه‌ی نهفته در دل‌های کسانی است که به عنوان مردان کهن معرفی شده‌اند، و آنان همان شرارت را نه تنها به حجره‌های ذهن خود، بلکه به حجره‌های معبد خدا نیز وارد کرده‌اند.

نان کسی را که چشم بد دارد مخور و به خوراک‌های لذیذ او نیز رغبت مکن؛ زیرا چنان‌که در دل خود می‌اندیشد، همان است؛ به تو می‌گوید: «بخور و بنوش»، اما دلش با تو نیست. امثال ۶:۳۳، ۷.

شرارتِ حجره‌های تصاویر، هم بر دیوارهای هیکل و هم بر دیوارهای ذهن مردان کهنسال نوشته شده است. حجره‌های پنهانی تصاویر، که در دومین رجس باب هشتم حزقیال مطرح می‌شوند، نمایانگر نسل دوم ادونتیسیم لاودیکیه‌ای هستند؛ و از میان چهار رجس، دوم بیش از بقیه بر سرکشی جمعی تأکید می‌کند، هرچند هر چهار رجس چنان بازنمایی می‌شوند که گویی به دست مردانی انجام می‌گیرند که قرار بود نگهبانان قوم باشند.

"نشان‌رهایی بر آنان نهاده شده است که برای همه رجاساتی که انجام می‌شود ناله می‌کنند و فریاد برمی‌آورند. اکنون فرشته مرگ روانه می‌شود؛ در رؤیای حزقیال این فرشته به صورت مردانی با سلاح‌های کشتار مجسم شده است، و به آنان فرمان داده می‌شود: 'پیر و جوان را به کلی بکشید، هم دوشیزگان و کودکان خردسال و زنان را؛ اما به هیچ مردی که آن نشان بر اوست نزدیک نشوید؛ و از مقدسگاه من آغاز کنید.' پیامبر می‌گوید: 'آنان از مردان سالخورده‌ای که در برابر خانه بودند آغاز کردند.' حزقیال ۱:۹-۶. کار نابودی از میان کسانی آغاز می‌شود که ادعا کرده‌اند نگهبانان روحانی مردم‌اند. دیده‌بانان دروغین نخستین کسانی‌اند که فرو می‌افتند. نه دلسوزی هست و نه امانی. مردان، زنان، دوشیزگان و کودکان خردسال با هم هلاک می‌شوند." مناقشه عظیم، 656.

شورش‌ی که نشانگر فرارسیدن نسل دوم است، به‌طور خاص با رهبری ادونتیسیم لاودیکیه‌ای مرتبط است، چنان‌که در اجلاس کنفرانس عمومی سال ۱۸۸۸ در مینیآپولیس تحقق یافت. از آن با تعبیر "مشایخ خانه اسرائیل" و نیز با "هفتاد مرد" یاد شده است. هفتاد نفر از مشایخ با خدمت موسی مرتبط بودند، و گروه دوم شاگردان عیسی از هفتاد مرد تشکیل می‌شد. "هفتاد" نمایانگر رهبری است، همان‌گونه که "مشایخ" نیز چنین‌اند. رجاست دوم تأکید مضاعفی بر رهبری می‌گذارد و

بدین‌سان تأکید را بر پیوند آن رجاست با شورش جمعی رهبری قرار می‌دهد.

در میان هفتاد مرد کهنسال، «یعزنیاه پسر شافان» ایستاده بود. نام «یعزنیاه» به معنای «شنیده‌شده از جانب خدا» است، و او نماد رهبرانی است که درست در زمانی که خدا سخن می‌گفت، شورش کردند؛ زیرا او صدای خدا را می‌شنید، اما گوش نمی‌داد، چون ادعا می‌کرد خدا قوم خود را ترک کرده و آنچه در اتاق‌های مخفی می‌گذشت را نمی‌بیند. یعزنیاه «پسر شافان» بود و نام «شافان» به معنای «پنهان کردن» است. این وضعیت نسل دوم نمایانگر شورش رهبرانی است که دقیقاً در همان هنگام که خدا سخن می‌گفت، سر به عصیان برداشتند و بر این باور بودند که خدا اعمالشان را نمی‌بیند و برایش اهمیتی ندارد.

خواهر وایت ثبت کرد که به او گفتگوهای رهبری ادونتیسیم لاودیکیه‌ای در طول کنفرانس عمومی ۱۸۸۸ نشان داده شد. در همان کنفرانس عمومی ۱۸۸۸، خدا به خواهر وایت جلسات رهبرانی را نشان داد که میان خودشان برگزار می‌کردند، وقتی می‌پنداشتند خدا گوش نمی‌دهد. آنجا، در خلوت اتاق‌هایشان، بر ضد خواهر وایت، پسرش، و کشیشان جونز و واگنر بدگویی می‌کردند. آنان بر این باور بودند که می‌توانند آزادانه سخن بگویند، زیرا خدا در اقامتگاه‌های خصوصی‌شان آن‌ها را نمی‌بیند؛ اما خدا همین گفتگوها را به نبیه نشان داد. آن‌ها در یک جلسه سازمانی بودند و، طبق الهام، داشتند پیام باران پسین را می‌شنیدند، اما از شنیدن سر باز زدند.

آن چه بود که رهبری‌ای را پدید آورد که در سال ۱۸۸۸ چنین شورش آشکاری از خود نشان داد، چنان‌که خواهر وایت آن را با شورش قورح، داتان و ابیرام مقایسه کرد؟

وقتی به وسیله روح‌القدس روشن شوید، همه آن شرارت در مینیاپولیس را چنان‌که هست، همان‌گونه که خدا به آن می‌نگرد، خواهید دید. اگر هرگز در این دنیا شما را دوباره نبینم، خاطر جمع باشید که شما را به خاطر اندوه و پریشانی و بار روحی‌ای که بی‌هیچ دلیلی بر من وارد آوردید، می‌بخشم. اما به خاطر جانتان، به خاطر او که برای شما مرد، می‌خواهم خطاهای خود را ببینید و اعتراف کنید. شما با کسانی که در برابر روح خدا مقاومت کردند، هم‌داستان شدید. شما همه شواهد لازم را داشتید که خداوند از طریق برادران جونز و واگنر کار می‌کرد؛ اما نور را نپذیرفتید؛ و پس از آنکه به احساسات مجال دادید و سخنانی بر ضد حقیقت بر زبان آوردید، دیگر احساس آمادگی نمی‌کردید که اعتراف کنید خطا کرده‌اید، که این مردان پیامی از سوی خدا داشتند، و شما هم پیام و هم پیام‌آوران را سبک شمردید.

هرگز پیش از آن در میان قوم ما چنین خودشنودیِ راسخ و چنین بی‌میلی به پذیرش و اعتراف به نور ندیده بودم که در مینیاپولیس بروز یافت. به من نشان داده شده است که هیچ‌یک از کسانی که روحی را که در آن جلسه ظاهر شد در دل پروراندند، دیگر نور روشنی برای تشخیص گران‌بهای حقیقتی که از آسمان برایشان فرستاده شده بود نخواهند داشت، تا زمانی که غرور خود را فرو بنهند و اعتراف کنند که محرک آنان روح خدا نبود، بلکه ذهن و دلشان از تعصب آکنده بود. خداوند می‌خواست به آنان نزدیک شود، ایشان را برکت دهد و از انحرافاتشان شفا بخشد، اما گوش فرا ندادند. آنان به همان روحی برانگیخته می‌شدند که قورح، داتان و ابیرام را برانگیخت. آن مردان اسرائیل مصمم بودند که در برابر هر دلیلی که خطای آنان را ثابت می‌کرد مقاومت کنند و در مسیر بی‌وفایی خود پی‌درپی پیش رفتند تا آن‌که بسیاری به پیروی از آنان کشیده شده و به ایشان پیوستند.

این‌ها چه کسانی بودند؟ نه ضعیفان، نه نادانان، نه ناآگاهان. در آن شورش، دویست و پنجاه تن از سران مشهور جماعت بودند؛ مردانی نام‌آور. شهادتشان چه بود؟ «همه جماعت مقدس‌اند، هر یک از ایشان، و خداوند در میان ایشان است؛ پس چرا خود را بر جماعت خداوند بلند می‌دارید؟» [اعداد 16:3]. وقتی قورح و همدستانش زیر داوری خدا هلاک شدند، مردمی که آنان فریفته بودند، دست

خداوند را در این معجزه ندیدند. صبح روز بعد، تمامی جماعت موسی و هارون را متهم کردند: «شما قوم خداوند را کشته‌اید» [آیه 41]، و طاعون بر جماعت آمد و بیش از چهارده هزار نفر هلاک شدند.

«وقتی قصد کردم مینیاپولیس را ترک کنم، فرشته‌ی خداوند در کنارم ایستاد و گفت: «چنین مکن؛ خدا کاری برای تو در این مکان دارد. مردم دارند شورش قورح، داتان و ابیرام را تکرار می‌کنند. من تو را در جایگاه شایسته‌ات نهاده‌ام، اما آنان که در نور نیستند آن را به رسمیت نخواهند شناخت؛ به شهادت تو وضعی نخواهند نهاد؛ اما من با تو خواهم بود؛ فیض و قدرت من تو را نگاه خواهد داشت. آنان تو را خوار نمی‌شمارند، بلکه فرستادگان و پیامی را که من به قوم خود می‌فرستم. آنان به کلام خداوند بی‌حرمتی کرده‌اند. شیطان چشمانشان را کور کرده و داوری‌شان را کژ ساخته است؛ و مگر آن‌که هر نفس از این گناه خود، این استقلال تقدیس نشده که به روح خدا اهانت می‌کند، توبه کند، در تاریکی خواهند راه رفت. چراغدان را از جای خود برمی‌کنم، مگر آن‌که توبه کنند و بازگشت نمایند تا ایشان را شفا دهم. بینایی روحانی خود را تیره کرده‌اند. نمی‌خواهند که خدا روح و قدرت خود را آشکار سازد؛ زیرا نسبت به کلام من روحیه استهزا و انزجار دارند. سبک‌سری، بیهودگی، شوخی و لطیفه‌گویی هر روزه رواج دارد. دل‌های خود را بر این نهاده‌اند که مرا بجویند. در جرعه‌های آتشی که خود افروخته‌اند راه می‌روند، و اگر توبه نکنند، در اندوه خواهند آرمید. خداوند چنین می‌فرماید: در جایگاه وظیفه خود بایست؛ زیرا من با تو هستم و تو را نه رها خواهم کرد و نه ترک خواهم گفت.» این سخنان خدا را جرئت نکرده‌ام نادیده بگیرم.»

نور در بتل کریک با پرتوهایی روشن و تابان می‌درخشیده است؛ اما کدام‌یک از کسانی که در جلسه مینیاپولیس نقشی داشتند، به سوی نور آمده و گنجینه‌های گران‌بهای حقیقت را که خداوند از آسمان برایشان فرستاد، دریافت کرده‌اند؟ چه کسانی قدم‌به‌قدم با رهبر، عیسی مسیح، همگام مانده‌اند؟ چه کسانی به‌طور کامل به غیرت نابجای خود، کوری‌شان، حسادت‌ها و بدگمانی‌هایشان، و سرکشی‌شان در برابر حقیقت اعتراف کرده‌اند؟ هیچ‌کس؛ و به سبب غفلت طولانی‌شان از پذیرش نور، آن نور آنان را بسیار عقب انداخته است؛ در فیض و در شناخت عیسی مسیح، خداوند ما، رشد نکرده‌اند. آنان در دریافت فیض لازم که می‌توانست نصیبشان شود و آنان را در تجربه دینی به مردانی نیرومند بدل سازد، ناکام مانده‌اند.

موضعی که در مینیاپولیس اتخاذ شد، ظاهراً سدی غیرقابل عبور بود که تا حد زیادی آنان را در میان شکاکان، پرسشگران و منکران حقیقت و قدرت خدا محصور ساخت. وقتی بحران دیگری فرا برسد، آنان که مدت‌ها در برابر دلیل روی دلیل مقاومت کرده‌اند، دوباره در همان نقاطی آزموده خواهند شد که به‌روشنی در آن‌ها ناکام مانده بودند، و برایشان دشوار خواهد بود آنچه از جانب خداست را بپذیرند و آنچه از سوی قدرت‌های تاریکی است را رد کنند. پس تنها راه امنشان این است که با فروتنی گام بردارند، راه‌ها را برای پاهای خود راست سازند، مبادا لنگ از راه به در شود. اینکه با چه کسانی همنشینی می‌کنیم، تمام تفاوت را رقم می‌زند؛ چه با کسانی که با خدا راه می‌روند و به او ایمان دارند و بر او توکل می‌کنند، چه با کسانی که از حکمت پنداشته خود پیروی می‌کنند و در جرعه‌های آتشی که خود افروخته‌اند گام می‌زنند.

وقت و توجه و تلاشی که برای خنثی کردن نفوذ کسانی که بر ضد حقیقت کار کرده‌اند لازم بوده است، زبانی هولناک به بار آورده است؛ زیرا ممکن بود سال‌ها در معرفت روحانی جلوتر باشیم؛ و نفوس بسیار بسیار می‌توانستند به کلیسا افزوده شوند، اگر آنان که می‌بایست در نور گام می‌زدند، شناخت خداوند را پی می‌گرفتند تا بدانند که برآمدن او چون صبح مهیا شده است. اما وقتی این همه زحمت باید درست در خود کلیسا صرف شود تا نفوذ عاملانی را خنثی کند که چون دیواری از گرانبه در برابر حقیقتی که خدا برای قوم خود می‌فرستد ایستاده‌اند، جهان در تاریکی نسبی رها می‌شود.

خدا می‌خواست که نگهبانان برخیزند و با یک‌صدا پیامی قاطع را اعلام کنند و شیپور را با صدایی معین بنوازند تا مردم همگی به جایگاه وظیفه خود بشتابند و نقش خود را در آن کار بزرگ ایفا کنند. آن‌گاه نور نیرومند و روشن آن فرشته دیگر که با قدرتی عظیم از آسمان فرود می‌آید، زمین را از جلال خود پر می‌کرد. ما سال‌ها عقب افتاده‌ایم؛ و آنان که بر کوری خود ایستادند و پیشرفت همان پیامی را که خدا می‌خواست از جلسه مینی‌پولیس چون چراغی فروزان بیرون رود، بازداشتند، لازم است دل‌های خود را در برابر خدا فروتن سازند و ببینند و بفهمند که چگونه این کار به سبب کورذهنی و سخت‌دلی ایشان بازداشته شده است. Manuscript Releases، جلد ۱۴، ۱۰۷-۱۱۱.

چه چیزی رهبری‌ای را پدید آورد که در سال ۱۸۸۸ چنین سرکشی آشکاری از خود نشان داد؛ سرکشی‌ای که خواهر وایت آن را با شورش قورج، داتان و ابیرام مقایسه کرد؟ بی‌تردید پاسخ در شورش ۱۸۶۳ نهفته است؛ شورشی که راه را برای آنچه به حزقیال گفته شده بود که «رجاسات بزرگ‌تری» خواهد بود، هموار کرد. رد کردن «هفت بار» لایوان باب بیست‌وششم و عرضه نموداری جعلی، ضرورت حفظ همان جعلی ۱۸۶۳ را ایجاد می‌کرد. از این رو، می‌لر می‌دید که جواهراتش پراکنده می‌شوند و با زباله و جواهرات و سکه‌های تقلبی پوشانده می‌شوند. ضرب‌المثلی معروف می‌گوید: «تاریخ را پیروزمندان می‌نویسند.»

گرچه در واقع پیروزان ماجرا نیستند، کسانی که رهبری کلیسای ادونتیست لاودیکه‌ای را بر عهده دارند، وقت و نیرو صرف کرده‌اند تا روایتی تاریخی بسازند که سرکشی روزافزون طی چهار نسل را تأیید و توجیه کند، تا آن سرکشی را در نوری بنمایانند که با تاریخ واقعی‌ای که فرشتگان آسمانی ثبت کرده‌اند، فرسنگ‌ها فاصله دارد. بازنویسی تاریخ از مشخصه‌های بارز یسوعیان کلیسای کاتولیک است، و تجدیدنظرطلبی تاریخی از ابزارهای همیشگی مورخان ادونتیست لاودیکه‌ای بوده است. آنچه این روزها «مورخان» ادونتیست لاودیکه‌ای درباره اجلاس کنفرانس عمومی مینی‌پولیس می‌نویسند، نمونه کلاسیک تجدیدنظرطلبی تاریخی است.

ممکن است چند نفر از شورشیان آن کنفرانس در نهایت توبه کرده باشند، اما استثنا اصل را باطل نمی‌کند. به خواهر وایت دستور داده شد بماند و جلسه را ثبت کند، زیرا شورش قورج، داتان و ابیرام در حال تکرار شدن بود. اینکه تاریخ‌نگاران ادونتیست شهادت را بر این بنا کنند که آیا پیام عادل‌شمردگی به وسیله ایمان فهمیده شد یا نشد؛ رد شد یا نشد، یا پس از آن پذیرفته شد، به معنای دور زدن شهادت الهام‌شده‌ای است درباره‌ی شورش قورج، داتان و ابیرام نمونه‌ی آن بودند. طبق گزارش موسی، کدامیک از آن سه شورش بعدها توبه کرد و دوباره در رهبری در کنار موسی پذیرفته شد؟

قورج، چهره محوری این جنبش، لایوان از خاندان قهات و پسرعموی موسی بود؛ او مردی توانا و بانفوذ بود. گرچه به خدمت خیمه اجتماع گماشته شده بود، از جایگاه خود ناراضی شد و در آرزوی شأن و منزلت کهنات برآمد. واگذاری منصب کهنات به هارون و خاندانش، که پیش‌تر بر عهده نخست‌زاده هر خانواده بود، حسادت و ناراضی برانگیخت، و قورج مدتی بود که پنهانی با اقتدار موسی و هارون مخالفت می‌کرد، هرچند جرأت نکرده بود دست به شورش آشکار بزند. سرانجام طرحی جسورانه برای براندازی هر دو اقتدار مدنی و دینی در سر پروراند. او در یافتن هم‌دلان ناکام نماند. نزدیک خیمه‌های قورج و قهاتیان، در سوی جنوبی خیمه اجتماع، اردوگاه قبیله رُوبین قرار داشت، و خیمه‌های داتان و ابیرام، دو رئیس این قبیله، نزدیک خیمه قورج برپا شده بودند. این سران به‌آسانی به نقشه‌های جاه‌طلبانه او پیوستند. چون از نسل پسر ارشد یعقوب بودند، ادعا می‌کردند که اقتدار مدنی از آن آنان است، و تصمیم گرفتند با قورج افتخارات کهنات را میان خود تقسیم کنند.

روحیه مردم به سود نقشه‌های قورح بود. در تلخی سرخوردگی‌شان، تردیدها، حسادت و نفرت پیشین‌شان بازگشته بود و بار دیگر شکایت‌هایشان متوجه رهبر بردبارشان شد. بنی اسرائیل پیوسته این حقیقت را از نظر دور می‌داشتند که زیر هدایت الهی بودند. فراموش کرده بودند که فرشته عهد رهبر نادیدنی ایشان بود، که حضور مسیح، نهان در پس ستون ابر، پیشاپیش آنان می‌رفت، و اینکه موسی همه دستورهای خود را از او می‌گرفت.

"آن‌ها نمی‌خواستند به حکم هولناک گردن نهند که باید همگی در بیابان بمیرند، و از این‌رو آماده بودند هر بهانه‌ای را دستاویز کنند تا باور کنند که این خدا نبود بلکه موسی بود که ایشان را رهبری می‌کرد و حکم هلاکتشان را اعلام کرده بود. بهترین کوشش‌های حلیم‌ترین مرد بر زمین نیز نتوانست نافرمانی این قوم را فروبشانند؛ و با آن‌که نشانه‌های ناخشنودی خدا از کجروی پیشینشان هنوز پیش رویشان بود — در صفوف ازهم‌گسیخته و کاهش شمارشان — پند را به دل نگرفتند. بار دیگر در برابر وسوسه مغلوب شدند." پدران و پیامبران، ۳۹۵، ۳۹۶.

ادونتیسیم لاودیکی در سال ۱۸۵۶ آغاز شد و در ۱۸۶۳ به عنوان کلیسای ادونتیسیم لاودیکی به طور قانونی ثبت شد. همان‌گونه که پیش‌تر در مقالات پیشین مطرح شد، هیچ شهادت الهام‌یافته‌ای وجود ندارد که نشان دهد لاودیکیه نجات می‌یابد. لاودیکیه نمی‌تواند نجات یابد مگر آن‌که از وضعیت خود توبه کند و تجربه‌ای را که فیلادلفیا نمایانگر آن است بپذیرد. لاودیکیه قومی است که با بیرون افکنده شدن از دهان خداوند مورد داوری قرار می‌گیرد. درباره کلیسای لاودیکی، الهام نشان می‌دهد که کلیسا مقدر بود مانند اسرائیل باستان در بیابان سرگردان شود.

کدامیک از شورشیان اسرائیل باستان چهل سال در بیابان سرگردان شد و سپس وارد سرزمین موعود شد؟ حتی یک نفر هم نه. سرگردانی آنان نماد سرگردانی اسرائیل امروز بود.

شورش قورح، داتان و ابیرام (که نمونه‌ای از شورش سال ۱۸۸۸ بود)، بر نپذیرفتن حکمی استوار بود که بر قوم صادر شد و آنان را به سرگردانی چهل‌ساله در بیابان محکوم می‌کرد. شورش سال ۱۸۸۸ بر رد آن حکم از سوی رهبری استوار بود؛ حکمی که آنان را لاودیکیه می‌خواند و به سبب نافرمانی‌شان آنان را به سال‌های بسیار بیشتری سرگردانی در بیابان محکوم می‌کرد.

«پیامی که از سوی ای. تی. جونز و ای. جی. واگنر به ما داده شد، پیام خدا برای کلیسای لاودیکیه است، و وای بر هر کس که مدعی ایمان به حقیقت است و با این حال پرتوهای عطاشده از جانب خدا را به دیگران بازتاب نمی‌دهد.» اسناد ۱۸۸۸، ۱۰۵۳.

سالخوردگانی که قرار بود در سال ۱۸۸۸ نهبانان مردم باشند، باور داشتند که «ثروتمندند و اموالشان افزون شده است». در مقاله بعدی بررسی خواهیم کرد که چه چیزی پیش از سال ۱۸۸۸ این وضعیت را پدید آورد.

روح من سخت اندوهگین می‌شود وقتی می‌بینم که چه زود برخی که از نور و حقیقت برخوردار بوده‌اند، فریب‌های شیطان را می‌پذیرند و مجذوب قداستی دروغین می‌شوند. هنگامی که مردم از نشانه‌های راهی که خداوند مقرر کرده است تا ما جایگاه خود را چنان‌که در نبوت تعیین شده است درک کنیم، روی برمی‌گردانند، به جایی می‌روند که نمی‌دانند کجاست.

من تردید دارم که شورش حقیقی اصلاً درمان‌پذیر باشد. در «پدران و پیامبران» شورش قورح، داتان و ابیرام را مطالعه کنید. این شورش گسترده بود و بیش از دو نفر را دربر می‌گرفت. رهبری آن را دویست و پنجاه تن از سران جماعت، مردانی نامدار، بر عهده داشتند. شورش را به نام درستش و ارتداد را نیز به نام درستش بخوانید، و سپس در نظر آورید که تجربه قوم کهن خدا با همه ویژگی‌های ناخوشایندش به امانت ثبت شد تا وارد تاریخ گردد. کتاب مقدس اعلام می‌کند: «این امور ... برای اندرز ما نوشته شده است، بر کسانی که پایان‌های جهان بر ایشان فرا رسیده

است.» و اگر مردان و زنانی که معرفتِ حقیقت را دارند آن قدر از پیشوای بزرگ خود جدا شده‌اند که پیشوای بزرگ ارتداد را برگیرند و او را «مسیح، عدالت ما» بنامند، علتش این است که در معادن حقیقت ژرف فرو نرفته‌اند. آنان قادر نیستند سنگ معدن نفیس را از ماده پست تشخیص دهند.

هشدارهای فراوانی را که کلام خدا درباره انبیای دروغینی داده است که با بدعت‌های خود وارد خواهند شد و اگر ممکن باشد حتی برگزیدگان را نیز گمراه خواهند کرد، بخوانید. با وجود این هشدارها، چرا کلیسا دروغین را از راستین باز نمی‌شناسد؟ کسانی که به هر نحو بدین‌گونه گمراه شده‌اند، باید در برابر خدا فروتن شوند و صادقانه توبه کنند، زیرا به این آسانی از راه منحرف شده‌اند. آنان صدای شبان حقیقی را از صدای بیگانه تشخیص نداده‌اند. بگذار همه چنین اشخاصی این فصل از تجربه خود را مرور کنند.

بیش از نیم قرن است که خدا از طریق شهادت‌های روح خود به قومش نور بخشیده است. آیا پس از این همه مدت، این وظیفه به چند مرد و همسرانشان واگذار شده است که با اعلام اینکه خانم وایت فردی متقلب و فریبکار است، تمام کلیسای مؤمنان را از فریب برهانند؟ «از میوه‌هایشان ایشان را خواهید شناخت.»

کسانی که می‌توانند همه دلایلی را که خدا به آنان داده نادیده بگیرند و آن برکت را به لعنت تبدیل کنند، باید برای سلامت جان‌های خود بلرزند. چراغدانان از جای خود برداشته خواهد شد مگر آنکه توبه کنند. خداوند مورد اهانت قرار گرفته است. پرچم حقیقت پیام‌های فرشته اول، دوم و سوم رها شده تا در خاک کشیده شود. اگر دیدبانان به این شیوه رها شوند تا مردم را گمراه کنند، خدا برخی نفوس را به سبب فقدان بصیرت تیزبینانه برای دریافتن اینکه چه نوع علوفه‌ای به گله او داده می‌شود، مسئول خواهد دانست.

ارتدادهایی رخ داده است و خداوند اجازه داده است که امور از این دست در گذشته پدید آید تا نشان دهد که قوم او وقتی به جای آنکه خود کتاب مقدس را تفتیش کنند، چنان‌که اهالی شریف بریه کردند، به سخنان انسان‌ها تکیه می‌کنند، چه آسان گمراه می‌شوند. و خداوند اجازه داده است که اموری از این نوع رخ دهد تا هشدار داده شود که چنین چیزهایی رخ خواهد داد.

طغیان و ارتداد در خود هوایی است که نفس می‌کشیم. ما تحت تأثیر آن‌ها قرار خواهیم گرفت، مگر آن‌که با ایمان جان‌های درمانده خود را به مسیح بیاویزیم. اگر انسان‌ها اکنون به این آسانی گمراه می‌شوند، وقتی شیطان خود را به جای مسیح جلوه دهد و معجزه‌ها انجام دهد، چگونه پای خواهند ایستاد؟ آن‌گاه که ادعای مسیح بودن می‌کند، در حالی که تنها شیطان است که صورت مسیح را به خود گرفته و به ظاهر کارهای مسیح را انجام می‌دهد، چه کسی از فریب‌های او بی‌تأثیر خواهد ماند؟ چه چیزی قوم خدا را از بیعت کردن با مسیحان دروغین باز خواهد داشت؟ «از پی آنان مروید.»

تعالیم باید به روشنی درک شوند. کسانی که برای موعظه حقیقت پذیرفته شده‌اند باید لنگر انداخته و استوار باشند؛ آنگاه کشتی‌شان در برابر طوفان و تندباد تاب خواهد آورد، زیرا لنگر آنان را محکم نگاه می‌دارد. فریب‌ها فزونی خواهد گرفت، و ما باید شورش را به نام درستش بخوانیم. باید با زره کامل بر تن بایستیم. در این نبرد ما فقط با انسان‌ها روبه‌رو نیستیم، بلکه با ریاست‌ها و قدرت‌ها. ما با جسم و خون کشتی نمی‌گیریم. بگذارید افسسیان ۱:۱۰-۱۸ در کلیساهای ما با دقت و به‌گونه‌ای اثرگذار خوانده شود. جزوه‌های دفترچه‌ای، ۵۷، ۵۸.